

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"
فرستنده: احمد پوپل
۳۱ اپریل ۲۰۲۵

دیوار ها

دیوار ها - مشخص و مُحکم - که با سکوت
با بی حیائی همه خط هایش
با هر چه اش ز کنگره بر سر
با قُبُح گنگ زاویه هایش سیاه و تُند،
در گوش های چشم
گویای بیگناهی خویش است...

دیوار های از خزه پوشیده، کاندن آن
چون انعکاس چیزی ز آئینه های دق،
تصویر واقعیت تحقیر می شود...

دیوار ها - مهابتِ مظنون - که در سکوت
با تیغ تیزِ خط نهائی اش
تا مرز های تفکیک در جنگ با فضا است...

همواره بادِ طاغی، با ناله های زار
شلاق ها به هیبتِ دیوار می زند
و برگ های خشک و مگس های خُرد را
و آرامش و نوازش را
همراه می کشد
همراه می برد...

عزم جدال دارد دیوار

همچنین

با مورهای باران

با باخت های شوم.

اما خورشید

همواره قدرت است، توانائیست!

بر بام های تشنه که برداشته شکاف،

با هر درنگ خویش

آن پیکِ نورپیکر، داده ست اشارتی؛

کرده ست فاش از این سان

با هر اشاره اش

رمزی، عبارتی:

«- دیوارهای کهنه شکافد

تا

بر هر پی شکسته، برآید عمارتی!»

او با شتاب می گذرد از شکافِ بام

می گوید این سخن به لب آرام:

«-انتقام!»

وآنکه ز درد یافته تسکین

با راهِ خویش می گذرد آن شتابجوی.

اما میان مزرعه، این دیوار

حرفی ست در سکوت!

او می تواند آيا

معتاد شد به دیده هر انسان،

یا آسمان شب را

بین سطوح خود ندهد نقصان؟

دیوارهای گنگ

دیوارهای راز!

ما را به باطن همه دیوار، راه نیست.

[بی هیچ شک و ریب
دیوارها و ما را وجه شباهتی ست].

لیکن کدام دغدغه، آیا
با یک نگه به داخل دیوارهای راز
تسکین نمی پذیرد؟

دیوارها
بد منظرند!
در بیست، در هزار
این راه ها که پای در آن می کشیم ما،
دیوارها می آیند
همراه

پا به پا
دیوارهای عایق، خوددار، اخمناک!
دیوارهای سرحد با ما و سرنوشت!
اندوده با سیاهی بسیار سرگذشت
دیوارهای زشت!
دیوارهای بایر، چندان که هیچ موش
در آن به حرف آن سو پنهان نداده گوش،

وز خاموشی آن همه در چارمیخ و بند
پوسیده کتفشان همه در زنجیر
خشکیده بوسه ها همه شان بر لب،
وز استقامت همه آن مردان
که به لرزیدن پس «این دیوار»
محق هستند
حرفی نمی گوید!

کو در میان این همه دیوار خشک و سرد
دیوار یک امید
تا سایه های شادنی فردا بگسترند؟
با این همه
برای یکی مجروح

دیوارِ یک امید
آیا کفایت است؟
و با وجودِ این
در هر نبرد تکیه به دیوار می کنیم
همواره با یقین
کز پشت ضربه نیست، امیدِست بل
کز آن
پُرشورتر درین راه پیکار می کنیم
هر چند مرگ نیز
فرمان گرفته باشد
با فرصتِ مزید آزادیِ مزید!